

هم میهنان ارجمند

ماهمانه محترم « نامه » از من خواست تا در مورد رفراندوم مطرح شده در ماه های اخیر ، نظر خود را طی مقاله ای بیان نمایم . متأسفانه نمی دانم دامنه ی خود سانسوری تا کجا کشیده شده است که از مقاله ای که در زیر خواهد آمد چند جمله گزینشی که از محتوا تهی شده است را به نام من به چاپ رسانده است . برای آگاهی هم میهنان متن مقاله به شرح زیر تقدیم می گردد .

حسین شاه اویسی

سخن درست ولی نابهنگام حقانیت خود را به زیر سؤال می برد

" فرزندان عزیز وطن! با چشمان باز به آینده "

" میهن کهنسال خود بیاندیشید . "

دکتر مصدق

پیش از ورود به بحث ، برای هر چه بهتر روشن شدن مسئله ، نکاتی را باید یادآور شد : یکم — بیان نظرها و نقد طرح فراخوان رفراندوم به معنای تردید در استقلال طلبی ، آزادی خواهی و میهن دوستی طراحان اولیه فراخوان (7 نفر) به ویژه آقای دکتر ملکی و آقای مهندس افشاری که تا حد زیادی از گذشته آنها و ایده آل هایشان مطلع هستم ، نیست و آنان را انسانهای شریف و میهن دوستی می شناسم ولی از آنجا که امکان بیان آرا و برخورد اندیشه ها از بن پایه ترین و ابتدایی ترین اصول مردم سالاری است بر آن شدم بدینوسیله نقدی در خور بضاعت بر طرح رفراندوم تقدیم دارم .

دوم — تلقی صاحب نظرانی که در درون میهن به سنجش پدیده ها می پردازند نمی تواند و نباید حتماً مشابه آرای باشد که صاحبانش در برون مرز ، زندگی می کنند . چرا که شرایط ما و مشکلات روز ما را کمتر لمس می کنند . از این رو منطقی است که دیدگاه هایمان در پاره ای جهات گوناگون ، گاه متضاد و شاید متناقض باشد ، ولی بهر رو قابل احترام خواهد بود و تحمل دیدگاه ها نیز واجب و طبیعی است و موضع گیری منطقی را نیز طلب می کند .

سوم — اتخاذ مواضع و انتقادهای نباید چنان باشد که حمل بر توهین و تخطئه ی مخاطبان گردد و زمینه بروز فضای سیاسی سالم را از بین ببرد .

چهارم — در این نوشتار کوتاه سر آن ندارم ، از مفید بودن یا زیانبار بودن محتوای رفراندوم سخن بگویم ولی پیرامون همه پرسشی (رفراندوم) سالهاست از سوی نیروهای دگراندیش و تا آنجا که بیاد دارم ، در سال 1361 شادروان فروهر از لزوم برگزاری همه پرسشی آن هم تحت شرایطی سخن گفته بود و سپس کسان دیگری و سازمانهای مختلفی هم به فراخور مواضعشان بحث همه پرسشی را مطرح کردند و جدل و اختلاف نظرها برسر زمان برگزاری ، هدف همه پرسشی ، امکان پذیر بودن آن و رعایت موازین ملی و سیاسی و مسالمت آمیز بودن همه پرسشی بود .

پنجم — به باور من : تنها معیاری را که در ارزیابی پدیده های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی به عنوان ملاک سنجش در شرایط امروز میهن باید برگزید ، تنها و تنها سود و صلاح میهن است و هر ایرانی که به میهن و ملت فرهنگ آفرینش عشق می ورزد ، حاکمیت ملی بر سرزمین مان ، دفاع از منافع ملی مان ، مردم سالاری ، عدالت اجتماعی ، رفع هرگونه تبعیض قومی و جنسیتی و دفاع از تمامیت ارضی میهن مان را از واجب ترین واجبات ها می داند .

و اما طرح موضوع : در دنیای آزاد و جامعه های مردم سالاری که مدنیت نهادینه شده است از رفتارندوم به عنوان مبنای درستی برای طلب اظهار نظر مردم یاد می شود ، ولی آنچه بسیار شایان اهمیت است ، مختصات زمانی و هنگام اعلام آن است که منافع ملی و تمامیت ارضی مان را با خطر مواجه نکند . از این منظر همه پرسشی نیاز به بستر سازی و پیش شرط هایی دارد تا بتواند نتیجه ای درست و واقعی و دقیق را به دور از فشارهای داخلی و اثرگذاری های بیگانه پسند خارجی و جنجال های ، دست دهد .

برای درک درستی این همزمانی بهتر است شرایط امروز میهن و جریانات پیرامونش را به مرور بشناسیم .

سیاست های سلطه طلبانه و بحرانهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی و رویدادهای جهانی که بر منطقه و کشور ، تحمیل شده است ، بدون توجه به علل آن ، اردو کشی های اطراف میهن و به زعم عده ای ناآگاه که بیگانگان را " ناجی " می پندارند و به گمانشان از فردای اشغال میهن به همه آرزوهایشان میرسند ، باید گفت : بدانند هرگز دموکراسی در کوله بار هیچ بیگانه ای یافت نشده است . اینگونه تفکر مسموم و این مسائل ، هر انسان میهن دوستی را به اندیشیدن وامیدارد که هیچکس مرا نخواهد که در آن سود خود نجوید . و درست از این جایگاه است که تجربه های خود را با همگان در میان باید گذارد . باید اجازه برخورد آرا داده شود تا با بهره گیری از روش های خردگرایانه جمعی ، بدور از تنگ نظری های گروهی و فردی میهن بر باد ده ، بدور از هیاهو و تهمت و بدور از هرگونه خشونت در راستای دفاع از هویت ملی ، حاکمیت ملت و منافع ملی خود ، نخست در رویارویی با بیگانگان و دفع آنان از طریق همبستگی کامل تمام نیروهای اصیل به نجات میهن از فروپاشی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی گام بردارند . از این رو برخورد ضروری می داند ، امروز با وجود تهدیدهای فزاینده خارجی و داخلی از جمله از توطئه های ارضی تا فرهنگی و تهدید خارجی ، تجاوز به حریم وطن ، انرژی هسته ای و از سوی دیگر نا هماهنگی های مراکز تصمیم گیری ، حصر آزادی های و حقوق ملت مصرح در قانون اساسی ، کاهش تعلق خاطر ملی (بعنوان مثال کاربرد واژه خلیج بجای خلیج فارس حتی از سوی پاره ای از کاربدستان و بعضی از رسانه ها) با وجود تمام این ناملایمات و کاستی ها اعم از خارجی و داخلی است که احساس خطر را در رگهای هر ایرانی می دواند که وقت آنست با چشمان باز و اندیشه ای روشن برای زیستی آزاد و سربلند اولویت های خود را برگزید و به سرزمین مان بیاندیشیم که دوران بسیار حساسی را سپری می کند که احساس مسئولیت ما در این شرایط نقش تعیین کننده ای خواهد داشت .

اکنون در این گیر و دار و هنگامه ای ای چنین ، آیا طرح رفتارندوم با همه باوری که بدرستی همه پرسشی وجود دارد ، زمان مناسبی است ؟ به باور من در این شکل و زمان ، جز اینکه مشکلی بر مشکلاتمان بیافزاید و باعث پراکندگی های بیشتر مان شود راه بجایی نخواهد برد مگر اینکه تهدید خارجی برطرف شده و جامعه به آرامش و امنیت رسیده باشد . بخاطر دارم در سال 1968 میلادی که دولت ژنرال دوگل بعثت نابسامانی های فراوان داخلی با جنبش دانشجویی

سراسری روبرو شده بود و مدتها تظاهرات پردامنه دانشگاهها فضای فرانسه را فرا گرفته بود ، اندک زمانی پس از فراهم آوردن آرامش در کشور ، از آنجا که دوگل از روسای جمهوری بود که به افکار عمومی احترام و باورمند بود ، پس از پایان در گیری ها و بازگشت آرامش به کشور در فضایی آرام بدور از بگیر و ببند ، در حالی که هنوز یکسال و اندکی از دوران ریاست جمهوری مانده بود ، اقدام به برگزاری همه پرسی کرد ، آن هم با طرح این پرسش که آیا با ریاست جمهوری من موافق هستید یا خیر ؟ چون پاسخ ملت نه بود ، در پاسخ به این خواست ملت ، ژنرال دوگل کناره گیری کرد و رفت و جمهوری پنجم پایه ریزی شد . چرا که شرایط برگزاری همه پرسی فراهم شده بود . توطئه خارجی ، تهدید بیگانه و لشکر کشی در مرزهای میهنش وجود نداشت . از تاریخ پیاموزیم پیش از آنکه خود درس تاریخ شویم .

باز گردیم به طرح فراخوان ، همانگونه که مطلع هستید این طرح تاکنون با مخالفتها و موافقتهای گوناگون روبرو شده است . عده ای که جریان راست افراطی کاتولیک تر از پاپ را در خارج نمایندگی می کنند ، این طرح را توطئه جمهوری اسلامی می دانند ، عده ای که بخشی از جریان چپ را نمایندگی می کنند ، با این طرح مخالفند چون بر این باورند این امر جلوی "انقلابشان" را می گیرد . عده ای هم که از زبان قومهای ایرانی سخن می گویند با طرح فراندوم مخالفند چون از دل نگرانی های آنها سخن نرانده است . عده ای دیگر با آن مخالف هستند که چرا نوع نظام آینده را اعلام نکرده است و عده ای با این ترتیب نه مخالفان طرح و نه موافقان آن یکدست نیستند .

بیاندیشیم ، نتیجه يك فراندوم که با استفاده از شرایط سیاسی ولی با عدم آگاهی لازم اجتماعی و فراهم نبودن زمینه های ضروری صورت گیرد تا چه اندازه برای آینده ایران می تواند امیدوار کننده باشد . حاصل سخن ، بنا بر دلایل بالا طرح فراخوان ملی برگزاری فراندوم پیشنهاد شده ی دوستان گرامی ، پرسش انگیز ، پرابهام و به باور من ناشدنی است و بیاتیه دوم که چند روز پس از نشر فراخوان از سوی طراحان در درون کشور صادر شد نیز جز نامی از فراخوان باقی نگذاشته است .

بهر روی به باور من ، در شرایط امروز اندیشیدن به همبستگی نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه میهن دوست با همه دشواریها ، بسیار واقعی تر و چشم انداز روشن تری را نمایان می سازد این در حالی است که برای اجرای فراندوم در تمام کشورهای پیشرفته و آزاد جهان پیش شرط هایی ضروری است که مهمترین آنها در محاصره نبودن کشور از سوی بیگانگان ، عدم وجود تهدید خارجی و امنیت و آرامش داخلی ، وجود رسانه ها و مطبوعات آزاد ، آزادی دگراندیشان و بیان عقاید و از بن پایه ترین نیازها در برگزاری يك همه پرسی راستین است .

بهر روی ، من ممکن است برخفا باشم و شما شاید بر صواب اما با بذل کوشش ممکن است هر دو ما به حقیقت نزدیکتر شویم .

پاینده ایران

تهران - حسین شاه اویسی